

پیامدهای تداوم حضور واسطه‌های خریدار شیر در نواحی روستایی

(مطالعه موردی: روستای شیشه، شهرستان اهر)

مهدی طالب - استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

محمدرضا محمدی* - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

پیمان پوررجب میان‌دوآب - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۴/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۹

چکیده

در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی، یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان و روستاییان همانا اعطای اعتبارات خرد است. هدف اصلی این پژوهش مطالعه و بررسی تأثیرات حضور شیرپزها به مثابه اعتباردهندگان خرد در نواحی روستایی است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق کیفی بر مبنای نظریه بنیانی (گراندد تئوری) است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تئوریک (نظری) ۲۲ نفر از تولیدکنندگان شیر به عنوان نمونه انتخاب شد. تکنیک‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی و مشاهده اسناد و مدارک موجود و یادداشت‌های روزانه بود. پدیده نهایی منتج از این کنش متقابل، تغییر کنش‌های پیوسته تولیدکنندگان به کنش گسسته و انفرادی بوده است. شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای به کارگرفته شده، و پیامدهای این تغییر کنش بدین شرح‌اند. شرایط علی: کاهش سطح اعتماد درون‌محلی و عدم احساس نیاز به یکدیگر به علت حضور شیرپزها؛ شرایط مداخله‌گر: اولویت‌دادن به منافع آنی و نه منافع آتی، و تحرک بالای شیرپزها؛ راهبردها: پایبندی محکم به تعهدات، پناه بردن به شیرپزها، انکار نقش خود و تأیید و تأکید بر شیرپزها، احساس ناتوانی یا کم‌توانی؛

پیامدها: توسعه‌نیافتگی روستا، تشدید وابستگی، بازتولید نابرابر، تأخیر در رسیدن به خودباوری و خوداتکایی.

کلیدواژه‌ها: اعتبار، اعتبارات خرد، تغییر کنش، شیرپزها، روستای شیشه.

مقدمه

روستا کوچک‌ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود. روستاها تا قبل از سال ۱۳۴۰ تحت مالکیت مالکان بوده‌اند و آنان بر ابعاد مختلف زندگی (اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی) روستاییان سیطره داشتند (طالب، ۱۳۷۶، ۹).

با اصلاحات اراضی در ایران روابط و مناسبات کهنه ارباب - رعیتی به صورتی ناموزون از هم پاشید و اقتصاد کشاورزی ایران در جهت اقتصاد سرمایه‌داری قرار گرفت (علینی، ۱۳۸۴، ۸۴-۸۳).

یکی از تأثیرات اصلاحات اراضی، رشد سریع سوداگران ده بود. در این میان دو گروه سوداگران - یعنی سلف‌خران و نزول‌خواران - نبض اقتصاد روستایی ایران را به دست گرفتند. از عوامل پیشرفت دو گروه، یا شگردهای‌شان، داشتن حرکت لازم در کار و حاضر بودن به موقع در محل کار و تعقیب مشتری تا هنگام احتیاج مبرم او به وام و داشتن برنامه و سرانجام بدهکار نگه داشتن دائمی کشاورزان بوده است. سهولت وام گرفتن و نحوه پرداخت آن، که وانمود می‌شد امیدی به بازگشت آن نیست و احتیاج مبرم کشاورزان به‌ویژه در مواقع کشت از علل عمده جلب زارعان بدان سمت بوده است. دشواری‌های شرایط گرفتن وام از بانک‌ها و شرکت‌های تعاونی - از قبیل معرفی ضامن یا وثیقه - و اندک بودن میزان وام علت دیگری است که زارعان را به دام سلف‌خران و نزول‌خواران می‌اندازد (خسرو، ۱۳۵۸، ۱۵۸-۱۵۹).

در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان، گذاشتن اعتبارات کوچک‌مقیاس در اختیار آنهاست، که نقش مهمی در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستاییان و ایجاد روحیه مشارکت و کار گروهی دارد (Escap, 1994, 12).

اعطای اعتبارات خرد می‌تواند در ابتدا تنها فرایندی اقتصادی در نظر گرفته شود، اما از آنجا که مشارکت گروهی خود اعضا، تشکیل دهنده شبکه‌ای اجتماعی است که پرداخت وام را بدون ضامن و وثیقه انجام می‌دهد، اعتماد به یکدیگر و همچنین هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، ضامن پرداخت وام‌هاست. بر این اساس پروژه‌ای که با هدف اقتصادی شروع به کار می‌کند، به فرایند اجتماعی تبدیل می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۰۶).

تحقیقات به عمل آمده نیز نشان از آن دارند که بزرگ‌ترین مشکل زارعان، نیاز به سرمایه و لاجرم اجبار آنان به سلف‌فروشی محصول و دسترنج خودشان، آن هم به بهای نازل است (طالب، ۱۳۷۲، ۵۳). ویژگی عمده اعتبارات خرد، تأمین شدن سریع و آسان، نیاز نداشتن به وثیقه سنگین و سهم‌آورده، بی‌توجهی به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری و مواردی از این دست‌اند (Roht, 1997, 28). تأمین اعتبارات خرد برای تضمین موفقیت کسب‌وکارهای روستایی خرد، با آنکه لازم است لیکن کافی نیست. شرایط ضروری برای موفقیت این نوع کسب‌وکارها در نتیجه طرح‌های اعتبار خرد عبارت‌اند از: وجود زیرساخت‌های کافی، کارآفرینان ماهر، دسترسی به اطلاعات و وجود فرهنگ مناسب برای تسهیل کسب‌وکار خرد (داوان، ۱۳۸۸، ۵۵). در کشورهای در حال توسعه بانک‌ها از یک سو برای پرداخت وام، وثیقه‌های سنگینی مطالبه می‌کنند، و از سوی دیگر خود را در سود و زیان طرح اقتصادی شریک نمی‌دانند، بلکه صرفاً به سود برگشتی حاصل از اعطای آن توجه دارند و چنین چیزی عملاً ریسک‌پذیری کارآفرینان را پایین می‌آورد (Anderson, 2001, 34).

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که پیامدهای تداوم حضور واسطه‌های خریدار شیر (شیرپزها) در روستای شیشه چیست.

تعریف واژگان

اعتبار^۱: کلمه اعتبار معانی زیادی دارد، اما معنی واژگانی آن اعتماد و تکیه دادن، قول، اطمینان، منزلت و آبروست. معنی اصطلاحی آن عبارت است از اطمینان بانک یا مؤسسه‌ای به هر شخص، تا مبلغی از سرمایه خود را در اختیار او قرار دهد. به‌طور کلی اعتبار عبارت است از هر نوع قراردادی که به موجب آن بانکی بنا به درخواست مشتری و مقررات موجود، مأمور است که وجهی را به ازای ارائه اسناد معینی به شخص ثالث - یا به حواله کرد او - پرداخت کند (نادری مهدیی، ۱۳۸۱، ۳۵).

1. Credit

اعتبارات خرد^۱: منظور از اعتبارات خرد که در دنیا سابقه‌ای ۳۰ ساله دارد، این است که به منظور رفع محرومیت و فقر، وام‌های کوچک در اختیار گروه‌های کم‌درآمد به منظور انجام فعالیت‌های کوچک به همراه مهارت و تکنولوژی مورد نیاز قرار می‌گیرد (رحمانی اندبیلی، ۱۳۸۰، ۳۲).

اهداف اعتبارات خرد عبارت‌اند از: افزایش تولید محصولات کشاورزی، بیرون راندن منابع غیررسمی از بازار اعتبارات، کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد سرانه، کاهش نابرابری‌ها و تعدیل درآمدها و انتقال تکنولوژی (خزاعی، ۱۳۷۹، ۳۷).

از جمله تجربیات موجود در زمینه اعتبارات خرد در کشورهای دیگر می‌توان به جنبش جهانی بانک روستا در سال ۱۹۷۶ و یا آغاز طرح تحقیقاتی دکتر یونس که منجر به تأسیس بانک گرامین در بنگلادش شد، اشاره کرد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ سازمان‌های غیررسمی بین‌المللی دیگری مانند اکسیو و فینیکا به منظور از بین بردن فقر در کشورهای امریکای لاتین، اقدام به تأسیس بانک روستا کردند. در سریلانکا طرح اعتباری هیئت توسعه صنعتی با فراهم ساختن اعتبارات برای روستاییان، موجب تقویت صنایع کوچک در روستاها و افزایش اشتغال گردید (نادری مهدی، ۱۳۸۱، ۳۹).

انواع سازمان‌ها و مؤسسات اعتباری در توسعه روستایی

کاوانامور مؤسسات اعتباردهنده در کشورهای در حال توسعه را به دو نوع "رسمی و غیررسمی" تقسیم می‌کند:

الف) مؤسسات غیررسمی: این مؤسسات بر پایه پرداخت و دریافت نقدی و غیرنقدی فعالیت دارند و میزان اعتباردهی آنها کمتر از یک درصد نیاز روستاییان است و مشخصاتی همچون انعطاف‌پذیری کم، نرخ بهره بالا، و بعد منطقه‌ای پایین دارند، ضمن اینکه دیوان‌سالار

1. Microcredit

نیز نیستند (Ghate, 1992) به نقل از افتخاری و همکاران، (۱۳۸۵، ۵۳).

ب) مؤسسات رسمی: این مؤسسات در قالب بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتبار و نهادهای بین‌المللی فعالیت می‌کنند و نقش توسعه‌ای آنها بسیار سازنده است. یکی از موفق‌ترین نمونه‌های آن گرامین‌بانک بنگلادش است، که وام‌هایی در زمینه توسعه کشاورزی برای تأمین نهاده‌ها، مکانیزاسیون، نوآوری‌های آبیاری، حمایت از کشاورزان در موقع حوادث غیرمترقبه، خرید زمین و نظایر اینها می‌پردازند (IFAD, 2003) به نقل از افتخاری و همکاران، (۱۳۸۵، ۵۴). در کشور ما پرداخت اعتبارات خرد روستایی به طور رسمی به این چند شکل صورت می‌گیرد:

۱. پرداخت وام‌های خوداشتغالی؛
۲. اعطای اعتبارات فرش‌بافی؛
۳. وام سلف کشاورزی؛
۴. پرداخت اعتبار به زنان سرپرست خانوار؛
۵. منابع اعتبار تعاونی‌های روستایی؛
۶. پرداخت وام برای خرید ماشین‌آلات کشاورزی؛ و
۷. پرداخت وام برای حفر و تأمین برق و راه‌اندازی چاه‌های عمیق.

در ایران بانک کشاورزی مهم‌ترین منبع پرداخت اعتبارات خرد در زمینه توسعه فعالیت‌های کشاورزی است. روش پرداخت اعتبار خرد این بانک بیشتر به صورت سرمایه‌گذاری مشترک و مشارکت در واحدهای تولیدی است (سلامی و طلاچی لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۴).

در این میان نقش منابع غیررسمی تأمین اعتبارات خرد، بسیار تعیین‌کننده است. منابع غیررسمی اغلب غیردولتی یا مرتبط به بخش خصوصی‌اند، مشتمل بر بخش خصوصی (اشخاص حقیقی و حقوقی)، وام‌دهندگان غیررسمی (سلف‌خران، پيله‌وران، میدان‌داران، دکان‌داران شهری و روستایی و جز آنها)، و اقوام و دوستان کشاورزان.

به طور کلی هر چه فعالیت و نقش منابع تأمین اعتبار رسمی (بانک‌ها) در تأمین اعتبارات مورد نیاز کشاورزان کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر باشد، نقش و اهمیت وام‌دهندگان غیررسمی بیشتر می‌شود. دو منبع غیررسمی تأمین اعتبار که کشاورزان و روستاییان معمولاً به ناچار به آنها مراجعه می‌کنند، عبارت‌اند از:

الف - رباخواران: اینان در واقع نوعی منبع اعتباری محلی‌اند. در دوره قبل از اصلاحات ارضی معمولاً افراد شناخته‌شده‌ای از قبیل مباشران ارباب، کدخداها، دست‌فروش‌ها و حتی خود

رباخواران فقط به رباخواری می‌پرداختند؛ اما با اجرای اصلاحات ارضی این افراد، نقش گسترده‌شان را در پرداخت اعتبار از دست دادند. در واقع این نوع اعتبار رقیبی برای مؤسسات اعتباری رسمی به حساب می‌آیند؛ و تازه، رباخواران در پرداخت اعتبار مشکلات اداری برای کشاورزان به وجود نمی‌آورند. علاوه بر این، در بیشتر روستاهای دورافتاده کشور که فاقد منابع رسمی‌اند، دسترسی به رباخواران آسان‌تر است.

ب - سلف‌خران: به افرادی گفته می‌شود که محصولات کشاورزی را پیش از فصل برداشت با سوء استفاده از نیاز کشاورزان به پول و منابع مالی در فصل کاشت، به قیمت ارزان می‌خرند. در واقع این افراد پیشاپیش پولی را به عنوان پیش‌خرید به کشاورزان می‌پردازند و در قبال آن هیچ سودی هم طلب نمی‌کنند، اما به هنگام برداشت، مقداری از محصول کشاورز را به جای پول‌شان برمی‌دارند که قیمت آن بسیار بیشتر از پولی است که خود آنان به کشاورزان پرداخته‌اند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۹ و ایران‌نژاد، ۱۳۷۵).

پیشینه تحقیق

مطالعات دکتر طالب در زمینه نظام اعتبار روستایی در ایران، که به نوعی فراتحلیل نظام اعتباری روستایی در آن مقطع به شمار می‌رود، مؤید این نکته است که منابع غیررسمی تأمین اعتبار و مبادله در حیات روستایی ایران همواره بسیار اهمیت داشته است، به طوری که این منابع غیررسمی معمولاً اینها هستند: دکان‌داران، سلف‌خران، پیله‌وران، میدان‌داران، بارفروشان و نزول‌خواران. اینان از نظر تعداد و حجم وام‌های پرداختی، در مقایسه با منابع رسمی همچون بانک کشاورزی، تعاونی‌های روستایی و دیگر بانک‌هایی چون تجارت و صادرات، اهمیت بیشتری دارند. دکان‌داران و سلف‌خران منابعی هستند که بیشتر با هدف تأمین نیازهای مصرفی خانوارهای روستایی فعال‌اند و با فراهم ساختن کالاهای مصرفی خانوارها در طول سال، به ازای این کار محصول آنها را برمی‌دارند و یا با سلف‌خوری محصول، وجه نقد کالاهای مورد نیاز روستاییان را تأمین می‌کنند (موسوی، ۱۳۸۴، ۴۸).

نتایج مطالعه‌ای که در دهه ۱۳۴۰ در ۱۳ منطقه روستایی صورت گرفت، حاکی از آن است

که بیش از ۶۸ درصد از اعتبارات ضروری موردنیاز زارعان را بخش خصوصی تأمین می‌کند و فقط ۳۲ درصد آن بر عهده بخش دولتی است (ازکیا، ۱۳۷۴، ۱۳۰).

نجفی و یعقوبی (۱۳۸۳) در مطالعه میدانی در استان فارس، به بررسی و تعیین موضوع مؤسسه‌های مالی رسمی و غیررسمی پرداختند. نتایج آنان نشان می‌دهد که اصلی‌ترین علت دریافت اعتبار کشاورزان از منابع رسمی و غیررسمی اعتبار، همانا مصارف تولیدی است. بررسی هزینه‌های پنهان دریافت اعتبار نیز مشخص می‌سازد که هزینه‌های جانبی دریافت اعتبار از بخش رسمی بالاتر از بخش غیررسمی است. همچنین قشرهای کم‌درآمد روستایی بیشترین سهم دریافت اعتبار را از بخش غیررسمی داشته‌اند و تمایل‌شان به همکاری کشاورزان با مؤسسه‌های مالی خرد بیشتر بوده است، که این خود آمادگی کشاورزان مناطق روستایی را برای تشکیل مؤسسه‌های خرد نشان می‌دهد (نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴).

افتخاری و عینالی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای نشان داده‌اند که تأثیربخشی منابع اعتبار در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا بسیار زیاد است (افتخاری و عینالی، ۱۳۸۴).

روش‌شناسی

در این مطالعه، ابتدا به منظور بررسی وضعیت فعالیت تولیدکنندگان شیر (دامداران) از روش ارزیابی سریع روستایی (RRA) استفاده شد. در این مرحله تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی) بود. جمع‌آوری یافته‌های این مطالعه، در طول یک سال زراعی (فروردین تا اسفند ۱۳۸۷) انجام شد. در طی این یک سال با بهره‌گیری از تکنیک‌های مذکور، آگاهی لازم درباره ویژگی‌های روستای شیشه، شیوه بهره‌برداری، نحوه مراجعه شیرپزها، تقسیم کار، و مواردی از این دست، حاصل شد.

پس از تحلیل داده‌های یاد شده و پی‌بردن به تغییر کنش (پیوسته به گسسته) تولیدکنندگان، با استفاده از روش نظریه بنیانی، براساس اصول و رویه‌های استراس و کوربین تلاش شد که دلایل ظهور این پدیده در روستای شیشه درک گردد. روش نظریه بنیانی معمولاً برای پژوهش درباره موضوعاتی به کار می‌رود که پیش از آن مطالعه چندانی در مورد آنها انجام

نشده و نیاز به بررسی و فهم عمیق‌تر آنها وجود دارد (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵، ۱۷). روش نظریه بنیانی برای تحلیل داده‌هایی که در فرایند تحقیق جمع‌آوری می‌شوند به کار می‌رود. در این مرحله، داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌سازمان یافته (فردی و گروهی)، مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی) و یادداشت‌های نگارندگان در فرآیند مطالعه، جمع‌آوری شدند.

روش نمونه‌گیری

در روش نظریه بنیانی^۱ تعداد شرکت‌کنندگان تحقیق از ابتدا مشخص نیست بلکه به تدریج با جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها مشخص می‌شود، و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که داده‌های جدید، تکرار یافته‌های قبلی باشند و یافته‌های تحقیق به اشباع برسد.

صاحب‌نظران بر آن‌اند که بهتر است در مطالعه با روش نظریه بنیانی، ترکیبی از دو نمونه‌گیری مبتنی بر هدف^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ مورد استفاده قرار گیرد (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۲۶).

در نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، افراد بدین دلیل انتخاب می‌شوند که اطلاعات بکر فراوانی درباره پدیده خاصی دارند؛ یا اینکه که با پدیده مورد نظر مواجه شده‌اند و یا دیدگاه خاصی درباره آن دارند (همان، ۲۷). اما در نمونه‌گیری تئوریک، انتخاب هر شرکت‌کننده جدید، بستگی به نمونه‌ها یا شرکت‌کنندگان قبلی و داده‌های حاصل از آنها خواهد داشت. به عبارت دیگر، جمع‌آوری داده‌ها در نمونه‌گیری تئوریک، بیشتر در پرتو مقوله‌ها و مفاهیمی که از داده‌های قبلی استخراج شده‌اند انجام می‌شود (همان، ۳۰).

در این تحقیق ابتدا براساس نمونه‌گیری هدفمند با ۹ نفر از دامداران (تولیدکنندگان شیر) مصاحبه شد؛ و پرسش اصلی عمدتاً به علت‌های همکاری دامداران با شیرپزها اشاره داشت. پس

1. Grounded Theory
2. Purposeful Sampling
3. Theoretical Sampling

از برگزاری مصاحبه نخست، تجزیه داده‌های اولیه، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با هم، تشکیل مقوله‌ها و برقراری ارتباط بین آنها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کنندگان بعدی استفاده شد. داده‌هایی که در مصاحبه نخست به دست آمدند، علاوه بر اینکه ذهن را متوجه موضوعات جدیدی ساختند، موجب طرح پرسش‌هایی هم شدند که بر ضرورت پرسش از شرکت‌کنندگان دیگر در مصاحبه‌های بعدی تأکید داشت.

در مرحله بعد براساس اطلاعات به دست آمده از ۹ نفر، ۱۳ نفر دیگر برای مصاحبه انتخاب گردیدند. مجموعاً ۲۲ نفر (۹ نفر براساس نمونه‌گیری هدفمند و ۱۳ نفر براساس نمونه‌گیری نظری) برگزیده شدند.

یافته‌های تحقیق

روستای شیشه در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان اهر و در دامنه کوه زیبای آلاصندل واقع شده است، که از شمال به بخش هوراند، از جنوب به روستای شیربیت، از شرق به روستای آلاصندل و از غرب به روستای آغ بلاق و سیه دولان محدود شده است.

با توجه به کمبود زمین‌های زراعی، کشت و زرع از نوع کوهستانی است و در منطقه به سبب وجود مرتع مناسب، اقتصاد دامی، اولویت اصلی زندگی آنان را تشکیل می‌دهد. در کار آن نیز افراد روستا با داشتن میانگین ۷ قطعه زمین در مقیاس کمتر از یک هکتار، به کاشت گندم، جو و عدس و جز اینها می‌پردازند. البته این معمولاً برای ذخیره یک‌ساله آنها نیز کفایت نمی‌کند و بیشتر آنها مجبورند برای تهیه آرد نان به شهر بروند و آن را از شهر تهیه کنند. دامداری نیز به صورت سنتی است و در هر خانوار به‌طور میانگین ۷۰ الی ۱۲۰ رأس دام نگهداری می‌شود و یکی از دلایل حضور شیرپزها در روستاهایی از این قبیل وجود دامداری است. بهره‌برداری از زمین‌ها، به شیوه بهره‌برداری خرد دهقانی (خانوادگی) صورت می‌گیرد.

در ماه‌های بهار با توجه به بهبود نسبی دمای هوا و آغاز رویش علوفه و سبزه‌ها، معمولاً از ۱۵ فروردین به بعد گوسفندها به صحرا برده می‌شوند. این فصل، موسم افزایش شیر دام‌ها و آغاز فعالیت‌های تولید دامی است. شیرپزها نیز دقیقاً از ۱۵ فروردین در کارگاه‌های‌شان مستقر

می‌شوند و به جمع‌آوری شیر از دامداران می‌پردازند. اما با توجه به وجود سرمای کمابیش باقی مانده از زمستان و رشد اندک سبزه‌ها در صحرا و کوهستان، ناگزیر تعلیف دستی نیز افزون بر چرا در صحرا، انجام می‌شود. به دلیل اینکه دامداران در فصل بهار موظف‌اند که به شیرپزها شیر بدهند، دوشیدن شیر در ایام بهار معمولاً در هنگام ظهر و در نزدیکی منزل روستاییان انجام می‌شود. روستاییان (دامداران) طرف حساب شیرپزها با در دست داشتن دفترچه‌ای - که شیرپزها به هر خانواده داده‌اند - شیر را هر روز به آنها تحویل می‌دهند. این دفترچه حاوی مشخصات دامدار و مقدار شیر تحویل داده شد در هر روز است.

وظیفه دوشیدن دام و راهنمایی بره‌های کوچک برای خوردن شیر مادر را معمولاً زنان بر عهده دارند. به صحرا بردن دام‌ها وظیفه فرزندان ذکور و پدر خانواده است و زنان در این امر مسئولیتی ندارند. عروس خانواده نیز در کار دوشیدن دام به مادر شوهرش کمک می‌کند؛ دیگر اینکه وظایفی چون پشم‌چینی نیز که کاری مردانه است، مردان بر عهده می‌گیرند.

تهیه فراورده‌های دامی - از قبیل کره، پنیر، روغن حیوانی و نظایر اینها - بر عهده زنان است. حمل محصولات دامی به کارگاه شیرپزی را هر دو گروه مردان و زنان انجام می‌دهند. فصل تابستان، فصل خشک‌شدن سرسبزی‌ها بر اثر گرما و به تبع آن، کم شدن میزان شیر دام‌هاست. در این فصل دام‌ها از علوفه زمین‌های به آیش گذاشته شده، و نیز از علوفه مراتع همراه با "چرای پس‌چرا" استفاده می‌کنند. زمانی که اهالی به درو کردن زمین‌های کشت‌شده می‌پردازند، معمولاً دانه‌های گندم که هنگام چیدن در آن زمین می‌ریزد، منبع تغذیه خوبی برای دام‌ها محسوب می‌شود. به همین دلیل است که غلظت شیر دام‌ها در این فصل بالاتر است و اگر دامداران بخواهند خارج از قرارداد و پس از خاتمه فعالیت به شیرپزها شیر بفروشند، قیمت شیر گران‌تر محاسبه می‌شود. معمولاً روستاییان برای ذخیره زمستانه‌شان از شیر فصل تابستان استفاده می‌کنند.

در ایام پاییز که شیرپزها سرمایه نسبتاً خوبی دارند، به سراغ مشتریان نیازمندشان می‌آیند و در خانه یکی از روستاییان، آنها را گرد هم می‌آورند و برای هر کس به اندازه توان و وسع وی و نیز به تناسب شیر تولیدی در سال‌های قبل - که مقدار آن برای شیرپز مشخص شده است -

پول پیش خرید شیر می‌دهد و به اصطلاح سلف‌خری می‌کند. افراد زیادی این پول را به تأمین هزینه‌های خوراکی دام اختصاص می‌دهند. برخی دیگر هم آن پول را صرف هزینه‌های جاری زندگی می‌کنند. ناگفته نماند همه روستاییان اذعان کرده‌اند که با توجه به هزینه بالای نگهداری دام - و دست خالی بودن خودشان - در پاییز پول شیریز را در تهیه علوفه و خرید گندم و جو خرج می‌کنند. برای دامداران، فصل زمستان فصل سخت و پرمشقتی است، چون آنها مجبورند دام‌ها را در داخل طویله نگه دارند و با غذا دادن دام‌ها به شیوهٔ تعلیف دستی، از آنها مراقبت کنند. در بین دامداران افرادی دیده می‌شوند که بیش از ظرفیت خود از شیریزها پول گرفته‌اند و نتوانسته‌اند به همان اندازه شیر تحویل دهند. بدین ترتیب همه ساله مبلغی به شیریز بدهکار می‌شوند که هر سال به بدهی پیشین اضافه و بدهی نیز روی هم انباشته می‌شود و آنان نزد شیریزها در زمرهٔ بدهکاران دائمی درمی‌آیند. اطلاعات به دست آمده در زمینه قیمت خرید و فروش شیر و پنیر حاکی از آن است که شیریزها برای هر کیلو شیر ۶۰۰۰ ریال می‌پردازند. سپس شیرهای جمع‌آوری شده در کارگاه‌های محلی شیریزها تبدیل به پنیر مرغوب ليقوان می‌شد. حاصل هر سه حلب ۱۷ کیلویی شیر تحویلی (۵۱ کیلو شیر) یک حلب ۱۷ کیلویی پنیر است. در صورتی که قیمت هر کیلو پنیر ۶۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شود، می‌توان دریافت که مبلغ کل دریافت شده برای ۵۱ کیلو شیر ۳۰۶۰۰۰ ریال بوده است، در حالی که سود خالص شیریزها به ۱۰۲۰۰۰۰ ریال می‌رسید. تولید کنندگان معمولاً در تهیه پنیر اظهار ناتوانی می‌کردند و بر آن بودند که شیریزها مهارت چندین ساله در این زمینه دارند و در آن خبره‌اند.

سابقه فعالیت شیریزها به حدود سال‌های ۱۳۱۸ - یا چه بسا دورتر نیز - می‌رسد. بنا به اظهارات اهالی و ریش‌سفیدان منطقه مورد تحقیق، با توجه به اینکه در آن دوران تهیه پنیر به شیوه امروز نبوده است، فرمول تهیه مایه پنیر و فرآورده ساختن پنیر ليقوان از گذشتهٔ دور به صورت سنتی نسل به نسل یا سینه به سینه منتقل شده و با توجه به ویژگی بس بارز منطقه ليقوان، ساکنان آن از سالیان دور، مهارت خاصی در تهیه پنیر مرغوب داشته‌اند که اکنون نیز به رغم پیدایش و اختراع دستگاه‌های پیشرفته، کار شیریزها در تهیه پنیر سنتی ليقوان هنوز هم ادامه دارد و این پنیر رقیب جدی محصولات امروزی است.

حوزه فعالیت شیرپزها به روستای مورد نظر محدود نمی‌شود بلکه این گروه توانسته‌اند به تأسیس شعبه در روستاهای بیشتر شهرستان‌های استان بپردازند و حتی به قدری در کارشان پی‌گیر هستند که در استان‌های مجاور مانند کردستان و اردبیل نیز فعالیت‌شان را گسترده‌اند. حجم تولید شیر با توجه به تعداد دام‌های اهالی در فصل بهار، که موسم فراوانی شیر دام‌هاست، مناسب و مطلوب است، و شیرپزها روزانه حدود ۲۰ حلب ۱۷ کیلویی شیر خریداری می‌کنند.

مطلب درخور تأمل این است که قیمت خرید در روستا با شهر تفاوت چندانی ندارد بلکه ابتکار شیرپزها، در صرفه‌جویی‌شان در زمان و حضور در محل است. به همین سبب روستاییان بدون صرف هزینه حمل شیر به شهر در روستای خود شیر را با قیمت مورد نظر به شیرپزها می‌فروشدند و در واقع طرفین با رضایت از یکدیگر، دست به این دادوستدها می‌زنند.

پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده (مشارکتی و غیرمشارکتی)، مشاهده اسناد و مدارک موجود و همچنین یادداشت‌های روزانه، داده‌ها به منظور تعیین روابط علت و معلولی مرتب می‌شوند. واحدهای اصلی تحلیل عبارت‌اند از: مفاهیم^۱، مقوله‌ها^۲ و قضایا^۳.

منظور از مفهوم‌پردازی این است که از مورد مشاهده‌ای، جمله‌ای یا پاراگرافی برداشته می‌شود و به اجزایی تقسیم می‌گردد و به هر یک از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها، نام خاصی داده می‌شود، با برجستگی که یا نشانه آن پدیده است یا به جای آن می‌نشیند.

در مرحله بعد باید بتوان پدیده‌های مشابه برجسب‌خورده را طبقه‌بندی کرد - که این کار مقوله‌پردازی نامیده می‌شود. قضایا دربرگیرنده روابط مفهومی‌اند، و نشان از روابط تعمیم‌یافته بین مقوله‌ای مشخص و مفاهیم آن، یا رابطه بین مقوله‌های ناپیوسته دارند (استراس، کوربین، ۱۳۸۷، ۶۵-۶۳).

-
1. Concepts
 2. Categories
 3. Propositions

ایجاد مفاهیم از طریق فرایند کدگذاری باز^۱ یا رمزگذاری ممکن می‌شود. کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که در آن به صورت مشخص به نام‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها پرداخته می‌شود.

کدگذاری محوری^۲: عبارت است از سلسله رویه‌هایی که با آنها پس از کدگذاری باز، با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، به شیوه‌های جدیدی اطلاعات با یکدیگر مرتبط می‌گردند. این کار به استفاده از پارادایم (مدل الگویی یا سرمشق - "که الگوواره" نیز می‌گویند) و متضمن شرایط، محتوا، و راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدهاست صورت می‌گیرد. در این مرحله، قضایا شکل می‌گیرند که سومین عنصر نظریه بنیانی به شمار می‌آیند.

شرایط علی^۳: حوادث و وقایع یا اتفاق‌هایی که به قوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامند.
پدیده^۴: ایده و فکر یا محور، یا حادثه و اتفاق و رخدادی که سلسله کنش یا کنش متقابل را به سوی آنها می‌کشاند تا آنها را اداره و یا به نوعی با آنها برخورد کنند، یا اینکه اصولاً سلسله رفتارها به آنها مرتبط‌اند.

زمینه^۵: نشانگر مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهایی کنشی و واکنشی صورت می‌گیرد.

شرایط میانجی (مداخله‌گر)^۶: شرایطی ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش یا کنش متقابل تأثیر می‌گذارند یا تسهیل‌گر راهبردها هستند، و یا مقیدکننده آنها).

کنش / واکنش (برهم کنش یا کنش متقابل)^۷: راهبردهای ایجاد شده برای کنترل یا اداره اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاص.

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Causal Conditions
 4. Phenomenon
 5. context
 6. Intervening Conditions
 7. Action/Interaction

پیامد^۱: نتیجه و حاصل کنش / واکنش (استراس، کوربین، ۱۳۸۷، ۹۷-۹۸).
کدگذاری انتخابی^۲: روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و ارتباط دادن آن با دیگر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پرکردن جاهای خالی با مقوله‌هایی که به اصلاح و گسترش بیشتری نیاز دارند.

مقوله اصلی: همان پدیده اصلی است که دیگر مقولات بر محور آن گرد می‌آیند و کلیتی را تشکیل می‌دهند (همان، ۱۱۸).

ذکر این نکته لازم است که یافته‌های این مطالعه، با همه محدودیت‌ها و تعمیم‌ناپذیری به جوامع روستایی کل کشور نشان داد که به هر حال در کنش روستاییان دگرگونی‌هایی رخ داده است که با توجه به مراحل پیش‌گفته، آنها را می‌توان چنین برشمرد:

کدگذاری باز؛ مفاهیم اصلی

مفاهیم اصلی حاصل تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نگارندگان بدین شرح‌اند:

- ❖ انعقاد قرارداد و دریافت پول از شیرپزان، بدون ضمانت و وثیقه
- ❖ نیاز مالی روستاییان (دامداران)؛
- ❖ فقدان رقیب جدی برای شیرپزان؛
- ❖ آزادی و اختیار عمل روستاییان در تعویض شیرپزان؛
- ❖ فقدان خودباوری در روستاییان در زمینه تهیه پنیر از شیرهای تولیدی خود؛
- ❖ بی‌بهره بودن پول شیرپزاها؛
- ❖ عدم ریسک‌پذیری دامداران (به علت سابقه همکاری چندین‌ساله با شیرپزاها و خوگرفتن به تداوم این رابطه)؛
- ❖ عدم اعتماد به نهادهای رسمی برای فروش شیر (به علت دیر پرداخت کردن)؛

1. Consequences
2. Selective Coding

- ❖ سهولت دریافت پول از شیرپزها؛
- ❖ دریافت پول - جز بابت شیر - در مواقع اضطراری (مراسم عروسی، عزا و مانند اینها) از شیرپزها؛
- ❖ نگاه و برخورد یکسان شیرپزها با روستاییان؛
- ❖ طرف حساب بودن با یک نفر، و دور بودن از اختلافات ناشی از کار گروهی؛
- ❖ تحویل شیر خالص از سوی دامداران و جلب اعتماد متقابل،
- ❖ توافقی بودن معامله در زمینه قیمت‌گذاری و رعایت حال طرفین؛
- ❖ نبود منبع درآمدی جز دامداری، و دیمی بودن اراضی؛
- ❖ تضمین خرید شیر از سوی شیرپزها؛
- ❖ تأمین هزینه‌های دام روستاییان؛
- ❖ بدهکاری مستمر به شیرپزها؛
- ❖ اعتقاد نداشتن روستاییان به کار شراکتی (در زمینه تهیه پنیر، و جز اینها)؛
- ❖ رعایت نکردن روستاییان، حال یکدیگر را (به ویژه در زمینه تهیه آب‌شخور برای دامها)؛
- ❖ دوری راه یا مسافت طولانی از شهر؛ و
- ❖ فقدان امکانات بهداشتی و رفاهی؛ و نظایر اینها.

مقولات: دسته‌بندی مفاهیم نیز در قالب این مقوله‌ها صورت گرفته است:

- ◀ روابط اجتماعی؛
- ◀ روابط اقتصادی؛
- ◀ اعتماد متقابل؛
- ◀ تشدید تعامل اجتماعی؛
- ◀ کاهش میزان یاری‌ها و همکاری‌های سنتی؛
- ◀ فقدان خودباوری در روستاییان؛
- ◀ فقر مالی؛

- ◀ خرید تضمینی؛
- ◀ حس آزادی و استقلال؛
- ◀ محرومیت؛
- ◀ وابستگی و احساس کم‌توان یا ناتوان بودن؛
- ◀ شبکه ارتباطات غیررسمی؛
- ◀ کاهش اعتماد درون‌گروهی؛ و
- ◀ افزایش اعتماد برون‌گروهی.

کدگذاری محوری

در تحقیق حاضر با قرار دادن مقوله‌های پدیدار شده، این چهار مدل الگوواره‌ای (پارادایمی) پدید آمد، که با اجزای مرتبط به آنها، بدین شرح‌اند:

۱. مدل الگوواره‌ای پدیده کاهش همیاری

شرایط علی: عدم اعتقاد به کار شراکتی، کاهش اعتماد درون‌گروهی، احساس عدم وابستگی به همدیگر؛

پدیده: کاهش میزان یاری و همکاری؛

زمینه: افزایش دوره زمانی حضور شیرپزها؛

شرایط میانجی (مداخله‌گر): حضور بموقع شیرپزها، و خرید تضمینی شیر؛

راهبردها: حفظ شرایط موجود، پناه بردن به شیرپزها، افتخارطلبی؛ و

پیامدها: تداوم وابستگی، احساس خودکم‌بینی، تشکیل هویت‌های فرادست و فرودست.

۲. مدل پارادایمی پدیده فقدان خودباوری

شرایط علی: ضعیف پایگاه اجتماعی، اقتصادی روستاییان، احساس نیازمندی به شیرپزها،

احساس بی‌قدرتی؛

پدیده: فقدان خودباوری؛

زمینه: افزایش دوره زمانی حضور شیرپزها؛
شرایط میانجی (مداخله‌گر): پرهیز از ریسک‌پذیری، و در نتیجه تقدیرگرا بودن؛
راهبردها: تن دادن به وضعیت موجود، جلوگیری از دخالت نهادهای رسمی و عدم اعتماد به آنها، پذیرش فرودست بودن؛ و
پیامدها: بازتولید فقر، تداوم رابطه نابرابر مبادله‌ای.

۳. مدل پارادایمی عمومیت و فراگیری

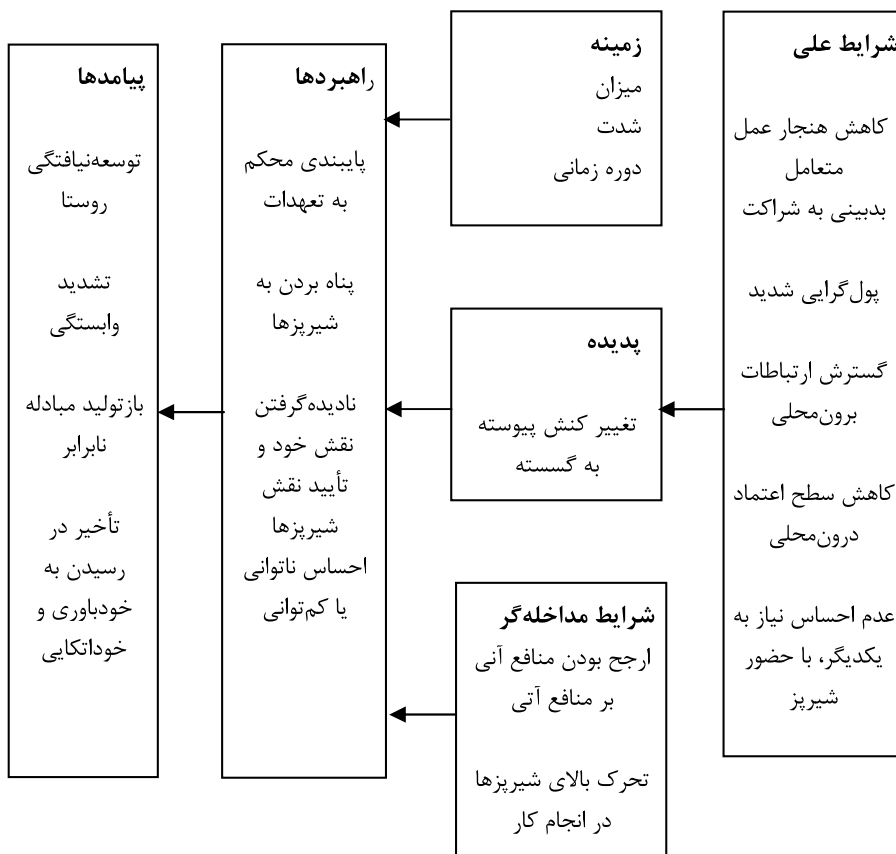
شرایط علی: کمبود نقدینگی روستاییان، فقدان نهادهای رسمی اعتباری، امنیت خرید و فروش شیر بین طرفین، فقدان تعاونی دامداران؛
پدیده: عمومیت و فراگیری؛
زمینه: افزایش دوره زمانی حضور شیرپزها؛
شرایط میانجی (مداخله‌گر): ضعف نهادهای رسمی اعتباری، سابقه تاریخی منطقه؛ و
راهبردها: متضرر شدن روستاییان از لحاظ مالی، تداوم دور باطل وابستگی، رسمی نبودن فعالیت و عدم رعایت نکات بهداشتی و تذکرات نهاد بهداشتی به طرفین.

۴. مدل پارادایمی پدیده تکروی

شرایط علی: حضور شیرپزها و ایجاد روابط اجتماعی مبتنی بر پول، طرف حساب بودن شیرپز با تک تک روستاییان به جای گروه، یا نماینده آنان؛
پدیده: تکروی؛
زمینه: افزایش دوره زمانی حضور شیرپزها؛
شرایط مداخله‌گر: احساس ناامنی روستاییان و هراس آنان از حوادث طبیعی، بی تفاوتی در برابر مسائل و مشکلات یکدیگر، پذیرش آسان (و ناگزیر) شرایط تعیین شده شیرپز؛ و
پیامدها: استهلاک سرمایه اجتماعی محلی، کاهش روابط صمیمی بین روستاییان، شکل گرفتن، حسابگری شدید، و انفعال.

کدگذاری انتخابی

آنچه که پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها، به عنوان مقوله کانونی این پژوهش کشف شد، پدیده تغییر کنش پیوسته به گسسته و تشدید تکروی در محیط مورد مطالعه بود. این مقوله، علاوه بر اینکه به شکل‌های مختلف در داده‌ها تکرار شده است، با دیگر مقوله‌های تحقیق نیز ارتباط دارد و تمامی آنها را پوشش می‌دهد. مدلی که در پی می‌آید، نشان‌دهنده همین مطلب است.



شکل ۱. مدل دلایل تغییر کنش، از پیوسته به گسسته

شرایط علیّ مربوط به پدیده دگرگونی کنش

شرایط علیّ را که به پیدایش این پدیده دامن زده‌اند، می‌توان چنین برشمرد:

کاهش اعتماد روستاییان به همدیگر و در عوض افزایش اعتماد به گروه‌های بیرون از روستا (شیرپزها). تک‌معیشتی بودن روستاییان (دامداری) و محرومیت از امکانات رفاهی و مادی، که عملاً بر میزان وابستگی آنان به شیرپزها افزوده است؛ در حالی که حضور شیرپزها و منابع مالی آنها می‌توانست یکی از زمینه‌های توسعه روستا باشد. از یک سو، طرف حساب بودن شیرپزها با تک‌تک روستاییان عملاً قدرت چانه‌زنی شیرپزها را بالا برده است، و از سوی دیگر، کاهش مشارکت روستاییان در دیگر زمینه‌های زندگی، منجر به افزایش وابستگی به منابع مالی شیرپزها شده است.

به هر حال منابع مالی روستاییان می‌توانست دست‌کم در مواقع اضطراری بین همدیگر بده - بستان شود، لیکن در چنین حالت‌هایی نیز اولویت با شیرپزهاست. عملاً می‌توان دید که شیرپزها حداکثر بهره را از فقدان زمینه‌های اعتماد بین روستاییان می‌برند؛ و طبعاً در چنین فضایی، بدبینی به شراکت، گسترش روحیه پول‌دوستی و احساس کاذب بی‌نیازی روستاییان از همدیگر بروز خواهد کرد.

پدیده ناشی از شرایط علیّ

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان سخن از وقوع پدیده دگرگونی کنش پیوسته و آغاز فرایند کنش گسسته (ناپیوسته) به میان آورد. این پدیده دارای میزان و شدت و دوره‌های زمانی متفاوتی است. در روستای شیشه رواج اقتصاد پولی بین تولیدکنندگان شیر از طریق واسطه‌های بیرونی، موجب کاهش یاری‌ها و همکاری‌های سنتی شده است. کاهش اعتماد به یکدیگر در میان تولیدکنندگان شیر، به کاهش گسترده و عمده‌ای در مشارکت این گروه‌ها دامن‌زده است. به نظر می‌رسد در روستاهایی که اقتصادشان متکی بر تولید یک محصول خاص است، و نهاد یا سازمانی حامی فروش و بازاریابی این محصول نیست، احساس نیاز به منابع مالی نقدی رو به افزایش می‌نهد. در این میان نقش افرادی که می‌توانند این نیاز را در زمان مورد نظر - یا حتی

پیش از آن - برآورده کنند، پررنگ‌تر می‌شود. نوع رابطه تشکیل شده به علت وابستگی شدید تولیدکنندگان به واسطه‌های توزیع از رابطه اقتصادی صرف گذشته است. حتی در مواردی مانند نیاز مالی برای مراسم ختم و نظایر آن نیز این واسطه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. نتیجه این است که وابستگی به منبع واحد و یگانه، نه تنها قدرت چانه‌زنی را پایین می‌آورد بلکه حوزه دخالت را نیز وسعت می‌دهد.

شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردها

شرایط مداخله‌گر به تثبیت پدیده مذکور کمک کرده است. از یک طرف فقدان دوراندیشی و بسنده کردن به منافع آنی به جای منافع آتی در بین روستاییان، و از طرف دیگر پویایی و پرتحرک بودن شیریزها در انجام کارها و تلاش مضاعف برای جذب روستاییان با ترفندهایی باعث کاهش گرمی و صمیمیت بین اهالی شده است و این روند جذب، شکلی مستمر و مداوم به خود گرفته است.

راهبردهای مربوط به پدیده دگرگونی کنش پیوسته به گسسته

با وقوع هر پدیده‌ای در جامعه، مسلماً از راهبردهایی برای اداره یا مدیریت و پاسخ به آن استفاده می‌شود. راهبردهایی که روستاییان در برابر ظهور این پدیده در پیش گرفته‌اند، پایبندی سفت و سخت به تعهدات‌شان در مواجهه با شیریزها، علاقه‌مندی به استمرار کنش متقابل و دستیابی به نوعی احساس امنیت اقتصادی و روانی است. معمولاً طرفین مبادله پایبند مقررات نانوشته - و گاه در مواردی هم مکتوب - هستند و خیانت و بدقولی کمتر به چشم می‌خورد. تعریف و تمجید هر دو گروه از یکدیگر نشان‌دهنده موفقیت این استراتژی در محیط و تداوم فعالیت آنهاست. انکار نقش خود و تأیید نقش شیریزها و نیز پناه بردن به دامن آنها از دیگر راهبردهایی است که روستاییان - چه بسا به ناگزیر - برگزیده‌اند. معمولاً روستاییان، خودشان را در برابر شیریزها، ناتوان یا کم‌توان می‌انگارند و این پدیده در بردارنده پیامدهایی مثبت و منفی است که ظاهراً هر دو نسبی‌اند و مطلق نیستند. از پیامدهای مثبت، می‌توان به

شکل‌گیری نوع جدیدی از کنش متقابل اجتماعی اشاره کرد که اهالی با افرادی خارج از روستا برقرار ساخته‌اند که سرانجام می‌توانست به رونق کسب‌وکار آنها و توسعه اجتماع محلی در پرتو شکل‌گیری نوع جدیدی از سرمایه اجتماعی بینجامد.

پیامدها

به‌کارگیری هر یک از راهبردها، پیامدهایی را به دنبال دارد. در کنار پیامدهای مثبتی چون کاهش مهاجرت و رونق دامداری، شکل‌گیری این پدیده به پیامدهایی منفی نیز دامن زده است، که از آن جمله‌اند:

(الف) عقب‌ماندگی روستایی و توسعه‌نیافتگی در روستا؛

(ب) تشدید وابستگی به گروه‌هایی خارج از روستا؛

(ج) بازتولید نابرابری در مبادله بین دامداران و شیرپزان؛ و

(د) تأخیر در رسیدن - یا اصلاً نرسیدن - به خودباوری و خوداتکایی.

زمینه‌های کنش متقابل این دو گروه حاکی از آن است که گروه شیرپزها به علت استفاده بهتر از منابع مالی‌اش توانسته است در روستای مورد نظر، در روابط اجتماعی نیز - افزون بر روابط اقتصادی - نفوذ کند. این در حالی است که در طرف مقابل، روستاییان به رغم داشتن زمینه‌های مشارکتی با همدیگر و پتانسیل دامداری روستا، نتوانسته‌اند از حضور شیرپزها بهره‌ای برند و تنها اتکای صرف به منابع مالی آنان عوارض چندی را برای خودشان در بر داشته است. گردش منابع مالی موجود بین روستاییان می‌توانست در قالب صندوق‌های کوچک اعتباری در ایام مختلف بین آنها جلوه‌گر شود؛ در حالی که تداوم این وضع عملاً موجب تشدید وابستگی به شیرپزها شده بود. بازتولید مبادله نابرابر بین دو گروه اغلب ناشی از انفرادی عمل کردن نسبی روستاییان و جمع نشدن آنها در قالب‌های گروهی است. همین عمل می‌تواند در به تأخیر انداختن خودباوری و خوداتکایی نقش جدی داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت که توسعه‌نیافتگی روستا مهم‌ترین پیامد این تغییر کنش به شمار می‌آید.

بحث و نتیجه‌گیری

سوابق تأمین مالی در روستاهای ایران، حاکی است که به رغم فعالیت بانک کشاورزی و برخی از بانک‌های تجاری در مناطق روستایی، هنوز بخش عمده‌ای از منابع مالی مورد نیاز روستاییان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی را نهادهای غیررسمی تأمین می‌کنند. طبعاً عواملی چون مسافت و دوری روستا از شهر، منابع معیشتی روستا (تک‌معیشتی یا چندمعیشتی بودن آن)، دسترسی به بازارهای محلی و عواملی از این دست بر میزان نفوذ اعتباردهندگان خرد می‌افزاید. اگر چه اعطای اعتبارات به‌مثابه فرایندی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، لیکن می‌تواند تأثیرات عمیقی در روابط اجتماعی بر جای نهد.

در تحقیق حاضر، نشان داده شد که تولیدکنندگان شیر در روستای شیشه اغلب به علت کمبود نقدینگی و محرومیت مالی در نوعی رابطه مبادله‌ای با گروهی از خریداران شیر (شیرپزها) قرار گرفتند، و این افراد به تأمین‌کنندگان منابع مالی آنها بدل شدند. گسترش این ارتباط نشان داد که در بسیاری از زمینه‌های دیگر، تولیدکنندگان شیر از شیرپزها تقاضای تأمین مالی داشتند، به طوری که این رابطه با گذشت زمان به رابطه‌ای نابرابر در عرصه مبادله اقتصادی تبدیل گردید و در عرصه اجتماعی نیز زمینه‌های همکاری بین روستاییان را کم‌رنگ‌تر ساخت. تأمل در این کنش متقابل، نشان از آن دارد که ایجاد ارتباطات متقابل با شیرپزها در صورتی که پیوستگی اجتماعی بین تولیدکنندگان شیر وجود می‌داشت، می‌توانست به توسعه روستا و ایجاد اشتغال در قالب کارگاه‌های پنیرسازی محلی بینجامد. در این تحقیق، پدیده به وجود آمده بر اثر تداوم مبادله بین این دو گروه و تأمین اعتبارات خرد از طرف شیرپزها، تغییر کنش روستاییان - از پیوسته به انفرادی و گسسته - است. اما قبل از بروز این پدیده، چهار پدیده ظهور کرده‌اند که هر کدام شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای خاص خود را دارد. این چهار پدیده - با نام‌های کاهش یاری و همکاری، فقدان خودباوری، عمومیت و فراگیری و تک‌روی - به نوعی اجزای مدل نهایی به شمار می‌آیند.

محرومیت روستا از امکانات، نوع معیشت روستاییان، دیمی بودن نوع کشت اراضی و نیاز شدید به منابع مالی برای تغذیه دام‌ها، از یک‌سو موجب وابستگی روستاییان (تولیدکنندگان

شیر) به شیرپزها شد، و از سوی دیگر از میزان قدرت اعتماد درون گروهی که می‌توانست زاینده مشارکت و حداکثر استفاده از منابع مالی در دسترس باشد، هر دم بیشتر کاست.

بدین ترتیب شرایط علی برای بروز تکروی، حرکت‌های انفرادی، ناپیوستگی یا وابسته نبودن روستاییان به همدیگر و به اجتماع محلی مهیا شدند. در بعد دیگر قضیه تحرک بالای شیرپزها، بموقع حاضر شدن در جای لازم، دست به نقد بودن‌شان، و نظایر اینها از یک سو، و ترجیح و اولویت قائل شدن روستاییان برای منافع آنی حاصل از این مبادله، در بروز این پدیده نقش شرایط میانجی را داشتند. همین شرایط موجب گردید که روستاییان با انکار نقش خود و بروز احساس ضعف و ناتوانی به دامان شیرپزها پناه ببرند و به منظور تداوم این ارتباط، پایبندی شدید به تعهدات‌شان را در برابر شیرپزها، به عنوان ابزاری مؤثر به کار گیرند.

در مجموع تداوم این رابطه با شرایط علی، مداخله‌گر و راهبردهای به کار گرفته شده روستاییان، عملاً روستا و خود آنان را در مدار توسعه‌نیافتگی، تشدید وابستگی، و ابقای تداوم و استمرار مبادله نابرابر قرار داد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که اعتبارات خرد را می‌شود از منابع مالی خود روستا تأمین کرد. سازماندهی این منابع به منظور تشکیل نوعی صندوق نیز می‌تواند از طریق مشارکت خود روستاییان با همکاری سازمان تعاون روستایی صورت پذیرد. افزون بر اینها منابع مالی‌ای که افراد بیرونی برای پیش‌خرید محصول وارد روستا می‌کنند، می‌تواند در زمینه پتانسیل‌های اشتغال به کار انداخته شود، و به نوعی نقدینگی سرگردان این جامعه، به جای دلالی یا سرمایه‌گذاری‌های کاذب، بر تولید و اشتغال متمرکز گردد.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن و دیگران، ۱۳۸۵، *روش‌های تحقیق کیفی*، انتشارات بشری، تهران.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت، ۱۳۸۷، *اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه، بیوک محمدی، چاپ دوم، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

مهدی طالب و همکاران _____ پیامدهای تداوم حضور واسطه‌های خریدار شیر در نواحی روستایی

اسماعیل پور، نوید، ۱۳۷۹، آشنایی با اعتبارات و منابع اعتباری، مجموعه انتشارات آموزشی شوراهای اسلامی روستا و بخش، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و عینالی، جمشید، ۱۳۸۴، ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان خداآبنده)، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش. ۳۴.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، عینالی، جمشید و سجاسی قیداری، حمدالله، ۱۳۸۵، ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خداآبنده)، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص. ۷۶-۴۵.

ایران‌نژاد، ژیلا، ۱۳۷۵، سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی.

خزاعی، علی، ۱۳۷۹، تضعیف جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات روستایی و چگونگی ایجاد مشارکت زنان، شماره ۲۳۱-۲۳۰.

خسروی، خسرو، ۱۳۵۸، جامعه‌شناسی روستایی ایران، تهران، نشر پیام.

داوان، ام. ال، ۱۳۸۸، اولویت‌های توسعه روستایی، ترجمه مهدی طالب، احمد محمدی، زهرا فرضی‌زاده، حسین قهاری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

رحمانی اندبیلی، صفت‌اله، ۱۳۸۰، مروری بر شکل‌گیری و عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و جایگاه آن در نظام اعتبارات روستایی، جهاد کشاورزی، ش. ۲۴۱-۲۴۰.

رحمانی، مریم، زند رضوی، سیامک، ربانی، علی، ادیبی، مهدی، ۱۳۸۷، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت رود بهم، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۳، صص. ۱۳۲-۱۰۵.

سلامی، حبیب‌الله و تلاچی لنگرودی، حسین، ۱۳۸۱، اندازه‌گیری بهره‌وری در واحدهای بانکی: مطالعه موردی بانک کشاورزی، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۹.

طالب، مهدی، ۱۳۷۲، اعتبارات روستایی در ایران، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی وزارت جهاد کشاورزی.

طالب، مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت روستایی در ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فصلنامه پژوهش‌های روستایی _____ دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰

علینی، محسن، ۱۳۸۴، بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، مجله تحول اداری، دوره دهم، شماره ۵۴، صص. ۱۰۶-۶۸.

نادری مهدیی، کریم، ۱۳۸۱، اعتبارات، سرمایه و توسعه روستایی، جهاد، شماره ۲۴۹-۲۴۸.

نجفی، بهاء‌الدین و یعقوبی، وحید، ۱۳۸۴، تأمین مالی خرد، راهکارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

Anderson, Jack R., 2001, **Risk Management in Rural Development A Review**, International Bank for Reconstruction and Development and Rural Development.

ESCAP, 1994, **Jakarta Plan of Action on Human Resources Development in the Escape Region**, revised edition, New York, UN.

Ghate, P. (editor) 1992, **Informal Finance**, Oxford University press, Hong kong.

IFAD, 2003, **The Rural Development Potential of IFAD's Credit Projects**, Internet: www.ifad.org.

Roht, I., 1998, **Sustainable Rural Livelihoods: A Framework for Analysis**, IDS working paper 72. (www.ids.ac.uk/ids/bookshop/wp.html-89k).